



هدف از قیام امام حسین (ع) / اگر شهادت امام حسین (ع) نبود تشیع هم وجود نداشت

حرکت تاریخی و به هنگام امام حسین (ع) اسلام را زنده کرد و به دنبال آن، اسارت خاندان ایشان، موجب نابودی بنی امیه گردید.

حرکت تاریخی و به هنگام امام حسین (ع) اسلام را زنده کرد و به دنبال آن، اسارت خاندان ایشان، موجب نابودی بنی امیه گردید. اگر شهادت امام حسین و اسارت اهل بیت نبود، الان تشیع وجود نداشت. اگر معاویه به عنوان حاکم مطلق جامعه اسلامی مطرح می‌ماند، معلوم نبود نامی از اسلام حقیقی و تشیع باقی بماند. آیت الله مظاهری در جلسه این هفته درس اخلاقشان به مناسبت ماه محرم هدف از قیام امام حسین (ع) را تشریح کرده اند که در پی می آید:

پس از به حکومت رسیدن یزید، امام حسین «ع» اسلام را در مخاطره دیدند و دریافتند که اگر قیام نکنند، اگر شهید نشوند و اگر عیال را به اسارت ندهند، اسلام نابود می‌شود. لذا واجب دانستند که قیام کنند و خود و عیال را فدای اسلام عزیز کنند. از مدینه به مکه آمدند و در وقت حرکت، نامه مختصر، اما پرمعنایی به برادرشان محمد بن حنفیه نوشتند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ لِحَقِّ بِي اسْتُشْهِدَ وَ مَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يُدْرِكِ الْقَتْلَ وَ السَّلَامَ» [1]

سفر من، سفر شهادت و سفر دفاع از اسلام عزیز است و هرکه با من حرکت کند، شهید می‌شود و هرکه با من نیاید، عاقبت به خیر نخواهد شد و دنیا و آخرتش حتماً در مخاطره است.

بنابراین حرکت تاریخی و به هنگام امام حسین «ع» اسلام را زنده کرد و به دنبال آن، اسارت خاندان ایشان، موجب نابودی بنی امیه گردید. اگر شهادت امام حسین و اسارت اهل بیت نبود، الان تشیع وجود نداشت. اگر معاویه به عنوان حاکم مطلق جامعه اسلامی مطرح می‌ماند، معلوم نبود نامی از اسلام حقیقی و تشیع باقی بماند.

بنی امیه چنین بودند که یزید در جلسه‌ای که حضرت زینب ایستاده بودند و سر مقدس امام حسین «ع» در مقابل او قرار داشت، در حالت مستی و غرور گفت: «لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل» [2] خبری جایی نیست. نه قرآنی و نه وحی و نه امام و پیغمبری وجود ندارد!

با وجود این حاکمان، مسلماً بدون قیام و شهادت امام «ع»، چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند. ولی با شهادت امام و اسارت خانواده و فرزندان، این شجره ملعونه ریشه کن شد و از بین رفت.

هجرت امام «ع» به مکه

آن حضرت از مدینه به مکه هجرت کردند و چندین ماه در مکه حضور داشتند؛ شب‌ها در خانه خدا نماز جماعت می‌شد؛ خواندند و منبر می‌شد؛ رفتند و سخنانی حماسی و کوبنده بیان می‌کردند. مردم هم، مخصوصاً جوانان، اطراف امام حسین «ع» را گرفته بودند. گاهی در مکه و یا در راه کربلا می‌فرمودند: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا» [2]

ای جوان‌ها! نمی‌بینید که حق پایمال شده و باطل رو افتاده است؟ نمی‌بینید کسی مثل یزید روی کار آمده است؟ مرگ برای مؤمن شربت است و باید همه و همه خود را فدای اسلام عزیز بکنیم. گاهی منبرهای ایشان این‌طور بود، گاهی هم منبرها این بود که ای مردم! باید امر به معروف و نهی از منکر کرد و من برای امر به معروف و نهی از منکر از مدینه به مکه آمده‌ام، برای دفاع از اسلام آمده‌ام و اسلام به من می‌شود؛ گوید که باید خود را فدای دین کنم.

«أَبْيَ لَمْ أُخْرِجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُقْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا حَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّيْصِلِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» [3] ای مردم! حرکت من، برای احیای سیره پیامبر «ص» و سیره امیرالمؤمنین «ع» است که از میان رفته و نابود شده است، من قیام کردم برای اینکه حق را زنده و باطل را نابود کنم.

حضرت سیدالشهداء «ع» با این سخنرانی‌های کوبنده، کم کم برای قیام مهیا می‌شدند. بنی امیه نیز بیکار ننشسته بودند و توطئه کردند که در حین اعمال حج، آن حضرت را به شهادت برسانند. امام حسین «ع» دیدند که این شهادت نتیجه shy& می‌شود؛ ای برای اسلام نخواهد داشت و آنچه درخت اسلام را آبیاری می‌کند، شهادت به نحو دیگری است. لذا شب عرفه، در خانه خدا نماز جماعت خواندند و منبر رفتند و فرمودند: ما رفتیم و هرکه می‌shy& خواهد در راه اسلام شهید شود، بیاید: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فَيَتَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ تَقْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَيُتَيِّ رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنَّ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى» [4]

توطئه دشمنان اجازه نداد ایشان اعمال حج را به جا بیاورند و روز عرفه، از مکه بیرون آمدند. کسانی که در آن چند ماه، سخنان امام حسین «ع» را شنیده بودند، علت ناتمام گذاردن حج ایشان را می‌shy& دانستند و به افرادی که تازه وارد مکه شده بودند، گفتند که اسلام در مخاطره است [5] و امام حسین «ع» حاضر شد جان خویش را نثار اسلام کند.

جداسازی اصحاب خالص و لایق برای شهادت

چندین هزار نفر همراه امام حسین «ع» حرکت کردند. اما ایشان دیدند که آنان بیرونی هستند و لیاقت شهادت ندارند؛ صرفاً به خاطر رسیدن به دنیا و برخورداری از پول و ریاست در حکومتی که برای امام حسین «ع» تصور می‌کردند، حرکت کردند؛ لذا امام حسین «ع» در هر فرصتی به آنان می‌shy& فهماند که قضیه، حکومت نیست، بلکه قضیه، شهادت است و با سخنانی نظیر: «برای زنده ماندن اسلام، چاره shy& ای جز شهادت ما و اسارت عیال و زینب مظلومه، نیست»، اصحاب خویش را پاک سازی کرده و افراد باقی‌مانده را برای شهادت در راه خدا آماده کردند تا به کربلا رسیدند. پس از ورود به کربلا نیز، تا شب عاشورا آنانکه از لیاقت کافی برخوردار نبودند، به تدریج از آن امام بزرگوار جدا شدند و رفتند و هفتاد و دو نفر انسان لایق و خالص باقی ماندند. امام «ع» نیز به آنان بشارت دادند فرمودند: شما اصحابی هستید که مثل شما نیامده و نخواهد آمد.

بالاخره روز عاشورا، امام حسین «ع» و آن هفتاد و دو نفر، فدای اسلام عزیز شدند. بعد هم خاندان مکرم پیامبر اکرم «ص» به اسارت رفتند. اما اسلام با آن شهادت و این اسارت، زنده شد. اسلامی که بنابر فرمایش خود امام حسین در حال نابودی بود. امام حسین «ع» با شهادت خود و یارانش و با اسارت عیالش، درخت اسلام را آبیاری و زنده کردند.

جلسات عزاداری، ادامه قیام امام حسین «ع»

پس از اتمام حماسه عاشورا و بعد از سپری شدن دوران اسارت، نوبت به اقامه عزا برای شهدای کربلا رسید. ائمه طاهرين «ع» به شیعیان فرمودند: بقای ثمرات انقلاب حسینی، مرهون عزاداری‌های شماست. در واقع، عزاداری‌ها علت مبقیه برای آثار و برکات اسارت و شهادت خاندان پیامبر اکرم «ص» است و از این رو می‌توان گفت: ثوابی در حد شهادت و اسارت دارد.

جایگاه ویژه عزاداری نزد خداوند، انبیاء و اهل بیت «ع»، به این خاطر است که آن شهادت، اسلام را زنده کرد و زنده نگه داشتن قیام امام حسین «ع» و اهداف متعالی آن، توسط مجالس عزاداری، منجر به زنده نگه داشتن اسلام می‌شود. اگر امام حسین «ع» نبود، اکنون اسلام و تشیع نبود. نه فقط شیعه، بلکه سنی هم وجود نداشت. معاویه و یزید و افرادی نظیر آنان می‌خواستند اسلام را نابود کنند و قصد جدی داشتند که حکومت شاهشاهی برپا کنند. ولی شهادت امام حسین «ع» و اصحاب ایشان و نیز اسارت عیال، مانع نابودی اسلام شد.

یزید، پس از عاشورا آن جلسه کذابی را گرفت و با غرور خاصی گفت: بنی هاشم با مردم بازی کردند، یعنی نه وحی shy& ای هست و نه اسلامی وجود دارد. اما زینب مظلومه «س» با دو سه کلمه، به اندازه shy& ای یزید را کوبید که او را به گریه انداخت و مجبور شد اظهار پشیمانی کند؛ گفت: خدا لعنت کند این زیاد را که شما را اسیر کرد، من نمی‌shy& خواستم حسین را بکشم، او کشت. بیش از چهل سال، معاویه و یزید و معاویه صفت‌ها و یزید صفت‌ها و دنیاپرستان، در شام فعالیت کرده بودند که بگویند اسلامی در کار نیست، اما سخنرانی امام سجاد «ع» در مسجد شام، همه چیز را عوض کرد.

اهتمام ائمه طاهرين «ع» به اقامه عزا

ائمه طاهرين «ع» به اقامه عزای حضرت سیدالشهداء بسیار اهمیت می‌دادند. دشمنان توجه کردند که عزاداری‌ها، ریشه حکومت ظالمانه آنان را خواهد کند، لذا هم بنی‌امیه و هم بنی‌عباس، سخت‌گیری شدیدی برای جلوگیری از برگزاری عزاداری اعمال کردند. اما ائمه طاهرين هم پافشاری داشتند که عزاداری‌ها باشد. امام سجاد «ع» به خوبی توانستند عزاداری‌ها را زنده نگاه دارند. آن حضرت در هر فرصتی و به هر بهانه‌ای، به ذکر مصایب کربلا می‌پرداختند و اطرافیان را می‌گریاندند. [6] ایشان را به اجبار به

بیابان فرستادند، اما در حالی که چندین سال بادیه نشین بودند، صحیفه سجادیه را به عالم اسلام تقدیم کردند و در قالب دعا و نیایش، به مبارزه با دشمن پرداختند.

سایر ائمه هدی نیز هیچ‌گاه در امر اقامه عزا کوتاهی نکرده‌اند. امام باقر و امام صادق «ع»، هرگاه مداحی می‌یافتند، در حالی که در مضیق و محدودیت شدیدی به سر می‌بردند، فوراً جلسه عزاداری برپا می‌کردند. حتی وقتی مداح در اثر ابهت ایشان نمی‌shy& می‌توانست با سوز و گداز بخواند، می‌فرمودند: با سوز و گداز روضه خوانی کن تا همه گریه کنیم و مثل باران اشک می‌shy& ریختند و با جمله «زدنی»، اصرار می‌کردند که روضه‌خوانی ادامه پیدا کند. [7] حضرت رضا «ع» در حکومت مأمون، در حالی که در محاصره شدید جاسوس‌ها بودند، روضه و ذکر مصیبت را ترک نکردند. اگر کسانی مانند دعبل به دیدار ایشان می‌آمدند، جلسه عزا می‌shy& گرفتند و آن مداح یا شاعر را وادار به خواندن مصیبت با سوز و گداز می‌کردند و خود آن حضرت، بلند بلند گریه می‌shy& کردند. [8]

سابقه ذکر مصیبت

عزاداری امام حسین «ع» قبل از اسلام عزیز، در میان همه انبیاء بوده است. روضه خوانش هم گاهی خداوند و گاهی جبرئیل بوده است. معمولاً در روایات آمده است که روضه عطش می‌shy& خوانده‌اند. معلوم می‌شود که روضه عطش نزد خداوند متعال، جان‌گدازترین روضه‌shy& ها است. [9] پیغمبر اکرم «ص» نیز در هر فرصتی، به ذکر مصیبت پرداخته‌اند. مثلاً وقتی حسین «ع» وارد مسجد می‌shy& شد، پیامبر گرامی از منبر پایین می‌shy& آمدند و حسین را در آغوش می‌گرفتند و روی زانوی خودشان می‌shy& نشاندند و برای مردم صحبت می‌shy& کردند. آنگاه در ضمن صحبت، حسین را معرفی می‌shy& کردند و می‌فرمودند: این حسین من است و یکی از امامان بعد از من است و نه نفر از فرزندان او نیز امام هستند و فرزند آخرش، قائم به حق است و می‌shy& آید و دنیا را پر از عدل و داد می‌shy& کند. [10]

سپس ناگهان بلند بلند گریه می‌کردند و در حالی که زیر گلولی حسین را می‌shy& بوسیدند، می‌shy& گفتند: ای مردم! این حسینم را در کربلا سر می‌shy& برند. امیرالمؤمنین «ع» نیز اگر فرصت می‌یافتند، روضه می‌shy& خواندند. در تاریخ داریم که جبرئیل امین، پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین برای حضرت زهرا «س» روضه خوانده و ایشان گریه کرده‌اند. [11]

زنده نگاه داشتن مجالس عزاداری، از اوجب واجبات

آنچه نیاز به توجه جدی دارد، این است که بدخواهان تشیع، همواره در کمین انحراف جوانان نشسته‌اند. بیگانگان می‌دانند که اگر جوان‌ها سر و کار با مسجد و روحانیت و مجالس مذهبی داشته باشند، دیگر نمی‌shy& شود آنان را فریب داد. به همین جهت، رسانه‌های متعددی تأسیس کرده و به صورت شبانه روزی در حال فعالیت علیه روحانیت، مسجد، حسینیه و جلسات عزاداری هستند.

البته ریشه گسترده و عمیق تشیع را نمی‌shy& توانند از بین ببرند، اما تاکنون خیلی کار کرده‌اند. لذا مسجدها خلوت شده و رفت و آمد جوانان در وقت نماز، در خیابان و پارک و مراکز تفریحی، بیش از مساجد است، در حالی که مساجد باید موقع نماز پر از جوان باشد. مجالس عزاداری نیز در برخی موارد به طعام آخر مجلس وابسته شده است و در آن موقع شلوغ می‌شود. ادامه این وضعیت، خطرات فراوانی به همراه دارد. اگر استعمار توسط پهلوی نتوانست مساجد و مجالس عزاداری را تعطیل یا کمرنگ کند، امروزه دشمن با توسل به جنگ نرم، توانسته است مساجد و حسینیه‌ها را خلوت و حضور جوانان را در مجالس مذهبی کمرنگ کند. این موضوع بسیار رنج‌آور و ناراحت کننده است.

لذا همه اقشار مردم اعم از جوان‌ها، پیرها، کسبه، تجار، روحانیون، دانشگاہیان و ...، باید بدانند که فعلاً از اوجب واجبات، زنده نگاه داشتن محرم و مجالس عزاداری است، مساجد باید پر از جمعیت شود و همه با منبر و محراب انس داشته باشند.

پیغمبر اکرم «ص» خبر داده‌اند که یک وقتی جوان‌ها و مردم، سر و کاری با مساجد و علما ندارند. آنگاه چندین بلا برای آنان نازل می‌شود که یکی از آن بلاها این است که: «يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا اِيْمَانٍ»، [12] یعنی بدون ایمان از دنیا می‌روند. یعنی دشمن می‌shy& تواند با خلوت کردن مساجد، حسینیه‌shy& ها و مجالس عزاداری، تشیع را از آنان بگیرد.

جوان‌ها! به همه شما بگویم که امروز کمک به امام حسین «ع»، زنده نگاه داشتن عزاداری ایشان است. در زمان امام حسین «ع»، زنده نگاه داشتن و کمک به حسین و یاری حسین، رفتن به کربلا بود و الان یاری امام حسین «ع»، زنده نگاه داشتن عزاداری‌هاست.

از همه شما تقاضا دارم که در این محرم و صفر، به برگزاری و رونق مجالس عزاداری اهمیت بدهید و زیارت عاشورا را هر روز بخوانید. زیارت عاشورا، زیارت خیلی خوبی است و سندش هم عالی است و نزد اهل دل، خصوصیات دارد و از قدسیات محسوب می‌شود. [13] لذا این زیارت عاشورا را همیشه در طول سال و به ویژه در محرم و صفر بخوانید که هم برای دنیای شما خوب است و همه برای آخرت شما مفید و مؤثر خواهد بود. افزون بر این، موجب می‌شود با اصحاب حضرت ابی عبدالله الحسین «ع» هم‌رنگی پیدا کنید. هم برای رفع گرفتاری‌ها مؤثر است و هم مانع لغزش و سقوط شما می‌شود. زمان ما، زمان لغزش است، مخصوصاً برای جوان‌ها زمان لغزش و سقوط است و برای اینکه شما نلغزید، باید با زیارت عاشورا، به امام حسین «ع» پناه ببرید تا محفوظ بمانید.

پی‌نوشت‌ها

=====

1. کامل الزیارات، ص 75
2. الاحتجاج، ج 2، ص 307
3. تحف العقول، ص 245
4. بحار الأنوار، ج 44، ص 329
5. الإرشاد، ج 2، ص 67
6. مثير الاحزان، ص 115
7. ر.ک: کامل الزیارات، ص 104 و 105
8. بحار الأنوار، ج 45، ص 207
9. ر.ک: بحار الأنوار، ج 45، ص 242 تا 245
10. اللهوف على قتلى الطفوف، ص 61
11. ر.ک: الإرشاد، ج 2، ص 131؛ أمالي الصدوق، ص 597؛ کامل الزیارات، ص 57 و 82؛
12. جامع الأخبار، ص 130
13. مصباح المتجهد، ج 2، ص 781